

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

بازتایپ و ارسال از: دپلوم انجنیر نسرین معروفی

۲۸ می ۲۰۱۴

## تقدیم به رفیق شهید سالم

به دخمه زندان، اسیری ناخن می زد. به خویشتن می تنید، خزان می شد و برگهای زرد از وجودش می ریخت. رشته های وجودش می لرزید، شرنگ زیر از جا برکنش نوا می داد ولی خودش به دخمه زندان ناخن می زد. شرنگ زنجیر، تک تک قفلان دست و پا، تاریک و وحشت جانکاه آن سلول، لهیب غم انگیز و شررزای دخمه های مرگ مانند دیو سیاه شب گسترده بود بال خاموشی.

در چنین افسرده ساز قلعه خارائین و دخمه سلول، تنها صدای کرکر ناخن اسیر می سازد.

چی را؟

آرامانی را که در قلب هر انقلابی پاکباز جوشانست. درخشان ستاره ایست به امتداد کهکشان در سپهر زندگی. رفیق با خود می اندیشد، با آرمان والای خلقها و انقلاب راز می کند. دست از دیوار برمی دارد. زخم شلاق پاسبان خداوندان زر را نوازش می دهد. در قهر تیره گی ها روشن و تابناک می اندیشد. جنازه های ملال و یأس برداشته می شوند. او در دریای طوفانی خلق و انقلاب شناورست، دست و پا می اندازد، شعار رهبری انقلابی پرولتاریا را فرمان می دهد. خلاف چند لحظه قبل کشتی انقلاب را از گوشه نمناک و تاریک زندان در امواج پر تلاطم دریای نبرد به آرزوی ساحل پیروزی می راند.

او مرد آزاده ایست. دخمه، زنجیر شلاق و لهیب وحشت آور زندان بر او تأثیر نمی گذارد که تسلیم شود. او بدون افسردگی و ملالت، غالب بر ندامت چنان می اندیشد که انگار زندانی نیست.

در این لحظات کاروان اعمال انقلابی خلق از زیر نظرش می گذرد. بهار شادی در رخسارش گل می کند. زخمها و دردش اصلاً دیگر وجود ندارد. دست نوازش از زخمهایش بر می دارد. در این هنگام زخمها و خونهای خشک شده آن چون کرد گل سرخ بهاریست.

کاروان انقلاب خلق به محاصره می افتد. هجوم سگان فاشیسم می آغازد. تعدادی از رفقاء موفق به شکستادن محاصره می شوند، نبردی سختی در جریانست.

"نبرد زندگی ساز و رهانیبخش"

"نبرد حماسه آفرینان عصر"

رفقای همزنجبری در سنگر می مانند تا در آن کوهساران لاله کارند. او.....) زخمی و دستگیر می شود. محمل سیاه شلاق و شکنجه از نظر رفیق می گذرد.  
دستش بازوی خود را در محکمه می بندد. به دفاع خودش قضاوت می کند. خمی بر ابرو و آهی بر لب نمی آورد. به آرمانش می نازد و به خلقتش می اندیشد.  
در ..... بهار شگوفانش در صبح زندگی ساز پا به محوطه اعدامگاه می نهد. قدمهایش استوار و محکم در دل سایر رزمندگان ها می نشیند. شعار های پیمیش برای گسترش مبارزه، راه سرخ شده به خون را "ارغوان زار وفا" می سازد.  
تیر های دشمن را می شمارد و با شعار های:

**زنده باد خلق زحمتکش**

**زنده باد انقلاب سرخ**

**زنده باد کمونیسم**

بر خاک می افتد. آنجا ماند لاله کاشت آبیاری هم می کند.

"ع" ب ساعت ۴۲۰-۹-۱۱\۱۹۷۴

امشب به پاس شوری که در درون سینه می جوشد  
شعمی می آفروزیم

مهر فراموش شده ای را زنده می سازیم

من آن شرار سینه به لبخند می دهم برون

با خویش میسروشم و با آه میکنم بیرون

خاکستری ز آتش پاکی که مرا در دلست

"ع" ۱۹۷۵

مجموعه ای از اشعار:

(اتحادیه عمومی محصلان افغان در خارج کشور)

منتشره در ۱۹۷۸ م .